

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۲/۰۳

پروفیسور رشید استاد پوهنتون نہرو - ہند

نامهء از شاه امان الله خان

و رابطه ایشان با مطبوعات ہند

«نگینہ» «و» الامان» از کجا به نشر می رسیدند؟



یک یادآوری قبلی:

دوستان عزیز و خوانندگان ارجمند! مراد و دیدگاه من درین نوشتہ درباره شاه امان الله خان غازی بحیث رہبر و معلم آزادی افغانستان و درباره نادرشاه شہید بحیث قوماندان فاتح محاذ جنوب آزادی افغانستان و قہرمان نجات کشور از دزدان و جہال سررشتان قرن این نبودہ کہ گویا من باید در صاف دفاع این ویا آن قرار بگیرم، بہ نظر بندہ ہردوی این شاہان بہ ہمت و پشتبانی مردم قہرمان کشور بہ شکوہ و قدرت رسیدہ اند. ملت از ہردوی شان حمایت کردہ اند، ہردوی شان مربوط یک خانوادہ بودہ اگر بر نواقص حکمرانی شان قضاوت می کنیم ہردو شان مرتکب اشتباہات و تخطی ہای جدی شدہ اند اما در عین حال ہردوی شان کارہای را نیز انجام دادہ اند کہ در ساختار سیاسی و فرہنگی افغانستان نوین تا این دم فراموش ناشدنی و ماندگار است. بہ نظر بندہ رول ہردوی شان بعد از آزادی افغانستان مهم است. وقتی مطبوعات ہندوستان رادر زمان ایشان مرور می کنیم ہمہ آنها در حق این دوزمامدار افغان بدو گروہ تقسیم شدہ اند کہ ہر کدام آنها دلایل و تحلیل ہای خاصی خود راجع بہ شاه امان الله و نادرشاه دارند. حتی بعضی شان آن حرکات کہ در داخل بنام و نمایندگی شاه امان الله و نادرشاه کہ از طرف شماری از افراد در آن موقع راہ اندازی شدہ است آنرا اعمال قطع الطریق می نامند کہ شاید برای بعضی ہا از ما گاہی ہم

د پانو شمیرہ: 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين پہ در نیت تاسو همکاری تہ رابولي. پہ دغه پتہ له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

قابل قبول نباشند. ولی باید گفت که هردوی آنها خوبی های هم داشتند ویدی هاهم، با این یاد آوری برمی گردم به اصل قصه که رابطه شاه امان الله خان غازی با مطبوعات هند چگونه و چرا بوده است؟

یکی از میراث هاونشانه های تمدن جدید که از امیرحبيب الله خان شهيد و فرزند اش شاه امان الله به افغانستان عقب مانده به میراث مانده است آن عبارت از ایجاد و سلسله تداوم همان مطبوعات و ارزش به آنها در زمان هردوایشان بوده است که نبض جهان در حال پیشرفت را در اوایل قرن بیستم در افغانستان تعریف و توصیف می نمایند. شاه امان الله خان با آنکه در ایتالیا در حالت غربت زندگی می کرد ولی در آن زمان و حتی در همان حالت زار خود به اهمیت مطبوعات پی برده بود و میدانست که موثرترین وسیله ارتباط اش با نهضت های فکری و انقلابی آسیا بخصوص در شبه قاره و افغانستان را همین مطبوعات برقرار میسازد. روی همین اصل بود که در زمان زمامداری اش بالاترتوجه خاص ویشماری زیاد از اخبارات و جراید در کابل و ولایات افغانستان و حتی در بعضی از شهرهای هندوستان تاسیس و بکارنشراتی شان آغاز کرده اند. بعد از آن که شاه امان الله در ایتالیا جابجا شد باز هم ارتباط اش را با افغانستان آزاد و هندوستان که تا آن دم زیر سلطه استعمار قرار داشت نگهداشته بود، ارتباطات مستقیم وی با آزادیخواهان ضد استعماری هند نمونه خوبی از نفوذ و اثرایشان را نشان می داد، رسیدن مبارز نامدار و آنتشین مزاج بنگالی هند سوبه اش چندربوس از طریق پشتونخوا و افغانستان به جرمنی و برقراری روابط اش با المانیها و ایتالیوینها را بخاطر مقابله هندیان در مقابل انگلیسها بحیث ارمان جدی خود قرارداد، در همین گیرداری سخت سوبه اش بابتوانست رابطه خود را با شاه امان الله در ایتالیا برقرار سازد. سوبه اش شاه امان الله خان را که اولین شاه هنگامه ساز آزادی شرق از چنگال استعمار انگلیس در آسیا بود باتمام کویف آزادی خواهی اش می شناخت، این مبارز دوآتشفه هند و متکی بر قومانده هیتلر و موسولینی این راهم درک می کرد که شاه امان الله محبوبیت خاص و بالاتر از وی در مجامع آزادیخواهان هند نیز دارد، ازینرو در جریان موجودیت اش در اروپا با شاه امان الله خان در تماس بود و با وی درباره مسایل و جریانات آزادی هند مشوره هائی نمود. توصیه شاه امان الله به سوبه اش بابو این بود که در مبارزه آزادیخواهان خود باید اولتر از همه بر خود مردم هندوستان حساب کند نه استعمار چیان غربی، چنانچه رهبران فاشستی آن زمان یورپ طرح مشترک یک دولت فراگیر که شاه افغانستان یعنی شاه امان الله در آن دخیل باشد زیر دست خود داشت ولی بالاتر درگیری ها و شکست های پیهم فاشستان و فرستادن سوبه اش به آسیای جنوبی و عدم همکاری شاه امان الله برای همچوتحفهء نادیده و ناخورده و شکر کشیده باعث بر آورده شدن این هدف گردید، هتلموسولنی و سوبه اش همه با سرنوشت شکستی روبرو گشتند که تاکنون سرنوشت گورگفن شان در خفای تاریخی ماند. اما سهم نگرفتن شاه امان الله در همچومعمر که خانمانسوز جهانی دال بر پختگی شعور بلند انسان دوستی وی را نشان می دهد، ما ازین انکار کرده نمی توانیم که بگویم شاه امان الله علاقه مند دوباره قدرت در افغانستان نبود، بود ولی نه به گونه که مانند جلاخان و ستمگران تاریخ که پا بر اجساد کشته شدگان بی گناه میگذاشتند و براریکه قدرت تکیه می زدند. شاه امان الله در بار میدان سیاست های جاری جهان و آسیامرد برآمده از آسیاب تجربه و آگاهی بود که بخاطر جلوگیری از خونریزی ملت خود تاج و تخت خود را به دزد معروف و معلوم الحال کشورش گذاشت و خود را ازین میدان نابسامان (که بعضی ها آنرا در جمع اشتباهات اش می شمارند) بدور ساخت.

بله، برای شاه و زمامداری مانند شاه امان الله، با این درک و کاروایی از امور کشورداری شان بسیار مشکل بود که از یاد و پیشتیانی داعیه مردمان و آزادیخواهان شرق بدور بماند، زیرا که شعور و تحرک آزادی خواهی در هندوستان و تمام آسیای جنوبی از افغانستان آزاد و کاروایی شخص شاه امان الله منته می گرفت، و وقتی افغانستان آزادی خود را از جابرتترین قدرت جهان (انگلیسها) بدست آورد آزادیخواهان هند و حتی همین سوبه اش بابو در بیانیه پُر شور آنتشین خود به مردم هند صدا می زد می کردند که « : درس آزادی و آزادیخواهی را از افغانها بیا موزید !» همین شعور و همین روحیه با سقوط شاه امان الله خان در هندوستان خاموش نشد بل در مجامع روشنگر و مسلمان هندوستان به گونه وسیع تبلیغ و در نشرات هند انعکاس یافت. شاه امان الله از روند آزاد مطبوعات در هند بریتانوی آگاهی دقیق داشت و این را نیز درک می کرد که نخبه گان و روشن خبالان آزادیخواهندو مسلمان ازین آزادی نسبی که تحت نظام بریتانوی برای شان میسر شده استفاده خوبی می کنند ازینرو شاه امان الله با همه مبارزین حقیقی آزادی هندوستان چون پاچا خان، مولانا آزاد، انصاری، علی برادران، علامه اقبال و دهاتن دیگر ارتباط قلمی داشت و آثار و نظریات خود را در خدمت آنها قرار می داد. حتی شماری از روشنفکران هندی که به اروپا رفت و آمدی داشتند آنها با شاه امان الله در ایتالیا ملاقات های رهنمودی نیرداشته اند.

اقبال در سال ۱۹۳۲ قبل از آن که به کابل دعوت شود ضمن سفرش به یورپ با مولانا غلام رسول مهر (گرداننده نشریه انقلاب) به دیدن شاه امان الله خان رفت و این دیدار اقبال در زمانی اتفاق افتاد که وی در هندوستان مصروف تبلیغ ضد شاه امان الله بود و از آن نیت و ارادت شعری که در پیام مشرق به نشر سپرده بود اکنون در معرض انکار قرار داشت و ازین نیت نارضا اش امان الله خان نیز اطلاع داشت ولی شاه وی را پذیرفت و از وی استقبال گرم به میان آورد و وقتی به هندوستان برگشت گذارش ملاقات خود را نشکر کرد این گزارش را نشریه (طاقت) به نشر سپرده و در آن وانمود ساخته که علامه اقبال باید به نظر نامطلوب خود را که در مورد شاه امان الله خان دارد و علیه آن به تبلیغات سو می پردازد اجتناب ورزد. طوری که در نامه های شاه امان الله خان به نشریه های زمیندار، سیاست

وظاقت نیرصراحت دارد و می نویسد که نشریه های **انقلاب و سیاست** که علیه وی و به نفع نادرشاه تبلیغات می کند زیرانتقاد وی است. (گزارش ملاقات اقبال باشاه امان الله خان بزدی نشرخواهد شد)

به هر صورت، طوریکه یاد آور شد امان الله خان رابطه نزدیک با جامعه درحال پیشرفت هندوستان داشت، اومیدانست که رابطه باهند وستان واحد درذات خود رابطه با تمدن پیشرفته جهان است، ازینرو ایشان زیاد علاقمند بود که ازتجاروب جوانان تعلیم یافته هندوستان بخاطرپیشبرد امورمملکت داری خود کاریگیرد. رابطه جدی وی با مطبوعات و نشرات هندوستان یکی از همین رازها مهم وی بود، براساس تاریخ صحافت اردو شاه امان الله خان دوسال بعداز زمامداری اش دوشنریه را درشهریجنوربنام های (نگینه) و (الامان) را اساسگذاری کرده است، دراثریاد شده درین باره می خوانیم که «: شاه امان الله درسال ۱۹۲۱ نشریه های (نگینه) و (الامان) ازبجنورنشرکرد که بعداً این هردو اخبارتوسط حکیم اجمل خان به دهلی منتقل گردید («اردوصحافت کی تاریخ ویکي پییدیا - بخش اردو)

واین اولین اقدامی شاه امان الله خان بود که همزمان با ایجاد سستم مطبوعاتی درداخل کشور دردورترین نقطه هندوستان شمالی در شهرک بیجنور نیزبیانشر اخبارهای نگینه و الامان پرداخته است. که درلای آن معلومات و خبرها از افغانستان، هندوستان و جهان به نشر می شد و از هندوستان به کابل نیز می رسید .

این سلسله از ارتباط شاه امان الله خان با مطبوعات هند بعد از آن که کشور را ترک کرد و در غربت در ایتالیا زندگی می کرد نیز وجود داشت که تمام خبرها و رویدادهای که شاه امان الله خان مراقب آن بود و یاد جریان آن قرارداد داشت آنرا از طریق نشرات هندوستان به اطلاع مردمان هندوستان و افغانستان می رساند. در دهه چهل، که در نیمه دوم آن هندوستان به دوش بخش و دوکشور تقسیم شد در سراسر هندوستان در حدود (۴۱۵) نشریه در زبان های اردو، انگلیسی، فارسی و پشتو و زبانهای دیگر هندوستان نشر و بخش می گردید از جمع این تعداد (۳۴۵) آن در هند و متباقی آن در بخش که بعداً بنام پاکستان یاد شد نشرات می کرد، شماری از آنها مخالف و شماری هم طرفدار حکومت هند بریتانوی بودند، که در اکثر نشرات تحت الحمایه دولت بریتانوی هند نوشته های خلاف شاه امان الله خان به نشر می رسید. در جمع این اخبارها اخبارهای نیز بودند که موقف آنها در برابر شاه امان الله خان و نادرخان محترمانه بوده به گونه مثال اخبار آزاد لاهور که از لاهور نشر می شد درباره افغانستان و شاه امان الله غازی و نادرشاه شهید دریکی از شماره های آن می خوانیم :

« د لاهور، آزاد اخبار

* دغه اخبار د ۱۹۳۳ کال په ۱۳/۱۱/۳۳ نیټه لومړی د امان الله خان اوبیا دافغانستان په اړه ولیکل :
د امان الله په اړه: « هغه سړي چې ټولنه یې له بدمرغیوڅخه وژغورله اوس نه شي کولای ځان وژغوري»
د افغانستان په اړه: « دهندوستان دمسلمانانوله پاره آزاد اوخپلواک افغانستان دومره مهم اودپاملرنې وړ دی لکه دهند آزادي. زموږ توجه اویاملرنه دافغانستان چارو ته ځکه ده چې د اسيا آزادي پر دغه هیواد اوخلکو پوري تړلی ده.» (دلاهور آزاد اخبار - ۱۳/۱۱/۱۹۳۳ کال)
دشاه امان الله خان غازی اونادرشاه په اړه :

* « موږ پردي بشپړپاورلو اودغه ټکي له چا څخه پټووهم نه، چې اوس نادرشاه غازی دافغانانو اوافغانستان اوهمداسي دهند دمسلمانانوله پاره بدمرغ او دپاملرنې ورسړی دی، اوس نو دا په افغانانو پوري اړه اړه لري چې له دوی سره دافغانستان اوپه مجموع کي د اسيا د آزادی پوښتنه شته که نه ؟ په دې کي شک نشته چې امان الله د کابل د تخت له پاره تر ټولو بڼه او ورسړی دی، په سیاسي لحاظ هم ددې توان لري چې دغه مسوولیت ته په بڼه توگه اوږي ورکړي، دی نه یوازي د آزادی گټیالی دی بلکه نوی نسل هم له ده سره د زړه له کومي مینه لري.» (آزاد اخبار- لاهور ۱۱-۱۴-۳۳) « (خواره واره یادښتونه - زما خپل اثر ناچاپ)

شاه امان الله خود به نشرات در هندوستان اهمیت قابل بود و سپارش خاص اش به دوستان مطبوعاتی اش در هند این بود تا نوشته های و خواسته های وی را در هندوستان بزبان هندی جهت آگاهی برادران هندی ترجمه و نشر کنند. خلاصه این که تمام گفته ها، نظریات و فشارهای که علیه وی و طرفداران وی در خارج و داخل کشور جریان داشت آنرا یک به یک به نشرات که حمایه گروی بودند نشر می شد. من نقل یک نامه اعلحضرت شاه امان الله غازی را که اصل فارسی وی با امضا وی با این حقیر موجود است خدمت دوستان و علاقمندان این شاه علم دوست و دشمن جهل و بی فرهنگی که تا کنون نیز کشور ما از دام و دم آن رهایی نیافته است و اکنون یکبار دیگر فصل سیاه ملانگی های جدید و مزدور بیگانگان را تجربه و تحمل می کند به نشر می سپارم. و این نوشته را نیز با آن خاتمه می یخشم .

درین نامه که به یکی از دوستان خود بنام عباسی نوشته است به صراحت از دوشنریه سیاست * و انقلاب ** که خلاف وی به اشاره غلام رسول مهرواقبال نشرات می کرد یاد آوری کرده است به گونه زیر :

متن نامه شاه امان الله خان غازی

ضمیمه مکتوب ۳۴۸

۲۴ رمضان ۱۳۵۵

۱۶ قوس ۱۳۱۵

«عزیزم سید غالب ابوالعباسی، مکتوب نمره ۱۵ شما با کتنگ های جراید رسید از مقاله ها رضایت و تشکر دارم، اگر بنام های مختلف از طرف حجاج افغانی تشریحات مظالم حکومت خاینه داده شود مفید است. اگر در این خصوص معلومات وسیع نداشته باشید بنوسید تا مفاد آن فرستاده شود، تصویر را واپس فرستادم فکر شما در آن باب موزون است اجرا نمایید بهر طرز و رنگی که بتوانید، زیرا مفسدت اوجود اعتدال و اسلامیت را تجاوز کردم. در مسله نشر کتاب فکر من موافق است انشاء الله برای بی پرده ساختن آنهمه دروغ ها و خیانت ها و نشر حقیقت خدمتی خواهد کرد، ترجمه و نشر آن در اردو خیلی مفید است تا برادرهای مسلم هند اصلیت و ماهیت این همه خیانت ها را که بملت اسلام شده بدانند و فریب نشریات دو جریده که مسلک و اسلامیت را برای ثمن قلیلی فروخته از مثل انقلاب و سیاست نخورند. در خصوص ملاقات شما در مکتوب سابق خود به شما نوشته ام البته از آن قرار تعمیل خواهید نمود و از حرکت خود قبلاً بمن اطلاع خواهید داد. باقی بهمه عزیزان و رفقای مساعی خود از طرف من سلام و محبت رسانید و از مدیر جریده اهالی (رهایی) از طرف من برای نشرات آن تشکر کنید. در خاتمه شما و امورات شما را بخدای قدیر متعال سپاریده ام.»

امضای شاه امان الله (*)**

* انقلاب نشریه بود که نشرات آن قبل از تقسیم هندوستان در لاهور در سال ۱۹۲۷ آغاز شده بود مسوولین این نشر غلام رسول مهر و عبدالمجید سالک بودند .

** سیاست نشریه دیگری بود که نشرات خود را از سال ۱۹۲۹ به بعد آغاز کرده است مدیر این نشریه مولانا سید حبیب بود و از شهر لاهور بخش و نشر می گردید. اگر چه به نام سیاست یک نشریه دیگر از حیدرآباد به مدیریت جگر صاحب و عابد علی خان نشرات می کرد ولی نشریه که خلاف شاه امان الله خان می نوشت آن همان نشریه سیاست بود که از لاهور به نشر می رسید .

*** اصل این نامه که امضای اعلحضرت شاه امان الله غازی مزین است نزد نویسنده موجود است .